

## پیرامون مسأله ی ملی

تروتسکی مسأله ی ملی را در مقاله ی خود، با عنوان درسی تازه، منتشر شده به سال ۱۹۳۸، چنین روشن کرد:

یک جنگ امپریالیستی، فارغ از آن که در کدام گوشه ی دنیا آغاز گردد، نه برای "استقلال ملی"، که برای باز تقسیم دنیا در بین منافع باندهای مجزای سرمایه ی مالی ادامه خواهد یافت. این موضوع انکار نمی شود که جنگ امپریالیستی، در گذر زمان، ممکن است به بهبود یا وخیم شدن موقعیت این یا آن "ملت" - یا به طور دقیق تر یک ملت به بهای دیگری - منجر شود. به همین نحو، معاهده ی ورسال آلمان را تکه تکه کرد. یک صلح جدید احتمالاً فرانسه را هم تکه تکه خواهد کرد. سوسیال پاتریست ها<sup>۱</sup> دقیقاً به این خطر "ملی" احتمالی در آینده، به عنوان استدلالی برای حمایت از راهزنان امپریالیست "خودشان" در زمان حال، متوسل می شوند....

در حقیقت، تمام بحث های انتزاعی از این دست، و ایجاد هول و هراس از فجایع ملی قریب الوقوع به خاطر حمایت از این یا آن بورژوازی امپریالیستی، از تاکتیک طرد چشم انداز انقلابی و یک سیاست انقلابی، نشأت می گیرد. طبیعتاً، اگر یک جنگ جدید تنها به پیروزی نظامی این یا آن اردوگاه

<sup>۱</sup> - سوسیال- پاتریست (Social-Patriot) عنوان دیگریست که برای "سوسیال شووینیست" استفاده می شود. در واقع سوسیال شووینیزم، نوعی میهن پرستی افراطی، تعصب آمیز و تهاجمی است که به ویژه در دوران جنگ و به شکل دفاع از ملت "خود" در برابر "سایر" ملل، آشکار می شود. در دوران جنگ جهانی اول، تقریباً تمام احزاب سیاسی به موضع سوسیال- شووینیزم در غلتیدند. اکثر سوسیالیست ها، که چهره ی شاخص آن ها حزب سوسیال دموکرات آلمان بود، به خاطر "دفاع از سرزمین پدری"، از عقاید خود دست کشیدند. رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت دو تن از انقلابیون کمونیستی بودند که طی جنگ جهانی اول، به مبارزه با سوسیال- شووینیزم پرداختند.

امپریالیستی ختم شود؛ اگر یک جنگ، نه یک خیزش انقلابی و نه پیروزی پرولتاریا را به دنبال داشته باشد؛ اگر یک صلح جدید امپریالیستی، که بارها وحشتناک تر از صلح و رسال است، برای چند دهه مردم را به زنجیر بکشد؛ اگر بشریت نگون بخت تمامی این [مصائب] را در سکوت و تسلیم تحمل کند، در آن صورت نه فقط چکسلاواکی یا بلژیک، که فرانسه نیز می تواند به موقعیت یک ملت تحت ستم فروغلتد (همین فرض شاید بتواند در مورد آلمان هم مصداق داشته باشد). در این حالت احتمالی، تجزیه ی وحشتناک تر سرمایه داری، تمامی مردم را به مدت چند دهه ی پیش رو به عقب خواهد برد. البته اگر این چشم انداز انفعال، تسلیم، شکست و انحطاط به وقوع بپیوندد، توده های تحت ستم و کل مردم مجبور خواهند شد تا با عرق و خون خود، از نو صعود کنند، و مسیری تاریخی را که پیش تر یک بار طی شده بود، روی دست ها و زانوان خود به عقب باز گردند.

آیا چنین چشم اندازی استثناست؟ اگر پرولتاریا بی وقفه از رهبری سوسیال امپریالیست ها و کمونو- شووینیست ها<sup>۲</sup> آسیب ببیند؛ اگر بین الملل چهارم قادر نباشد تا راه را به توده ها نشان دهد؛ اگر ترس از جنگ، کارگران و سربازان را به سوی شورش سوق ندهد؛ اگر مردم کشورهای مستعمراتی هم چنان صبورانه برای منافع برده داران خون دهند، در این صورت تحت چنین شرایطی سطح تمدن قطعاً فروکش خواهد کرد و پس رفت کلی و تجزیه، باری دیگر ممکن است که جنگ های ملی را برای اروپا در دستور روز قرار دهد. اما در آن موقع، ما یا حتی شاید فرزندان ما، مجبور خواهند بود تا

---

<sup>۲</sup> - کمونو- شووینیست (Communo-Chauvinist): کمونیست هایی که در موضع سوسیال- شووینیسم قرار می گیرند.

سیاست خود را در ارتباط با جنگ های آینده بر پایه ی موقعیت جدید تعیین کنند.

امروز ما نه بر پایه ی چشم انداز انحطاط، که بر پایه ی چشم انداز انقلاب پیش می رویم. تسلیم طلبی<sup>۳</sup> ما به هزینه ی امپریالیست ها صورت می گیرد و نه به هزینه ی پرولتاریا. ما مسأله ی سرنوشت چک ها، بلژیکی ها، فرانسوی ها و آلمانی ها به عنوان [یک سری از] ملل، را با تغییرات گاه و بیگاه جبهه های نظامی در دوران جنجال جدید امپریالیست ها مرتبط نمی کنیم، بلکه آن را با خیزش پرولتاریا و پیروزی آن بر تمامی امپریالیست ها مرتبط می سازیم. ما به جلو نگاه می کنیم و نه به عقب. برنامه ی بین الملل چهارم، اعلام می دارد که آزادی تمامی ملل اروپایی، بزرگ و کوچک، تنها می تواند در چارچوب ایالات متحده ی سوسیالیستی اروپا تضمین گردد.

تروتسکی

مه یا ژوئن ۱۹۳۸

منبع: بین الملل چهارم [نیویورک]، جلد ۶، شماره ی ۸، اوت ۱۹۴۵، صفحه ی ۲۵۴  
ترجمه: آرمان پویان

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۳

<sup>۳</sup> - تسلیم طلبی یا شکست طلبی انقلابی (defeatism Revolutionary)، مفهومی است که به طور برجسته، به وسیله ی لنین در جنگ جهانی اول ساخته شده است. لنین، با بیان این که پرولتاریا نباید خود را درگیر جنگ سرمایه داری کند، اعلام کرد که دشمن پرولتاریا، رهبران امپریالیستی هستند که طبقات پایین خود را به نبرد می فرستند. به گفته ی لنین، چنان چه جنگ، به جنگ داخلی و سپس انقلاب جهانی تبدیل شود، کارگران از "شکست" های ملت خود به مراتب بیشتر منتفع خواهند شد.